

سال ششم هجری نقطه عطفی در تاریخ اسلام

علیرضا کریمی*

چکیده

در تاریخ صدر اسلام چند نقطه عطف وجود دارند که از جهت نقش آنها در گسترش اسلام، سرنوشت ساز بوده اند. یکی از آنها سال ششم هجری قمری است که در آن یک واقعه بسیار مهم اتفاق افتاد. آن واقعه مهم، صلح حدیبیه بود که از ابعاد مختلف قابل بررسی است:

اولاً- معرف عنایت ویژه اسلام به صلح است تا جنگ و این یکی از نشانه های صلح طلبی اسلام است و نشاندهنده آن است که اسلام تحصیل مقصود را از راه مصالحه بر طریق جنگ ترجیح می دهد. ثانیاً- نشانگر تدبیر و دوراندیشی و اوج شناخت و اشراف سیاسی نبی اکرم بر اوضاع عصر خود و گویای آن است که حضرت در تدبیر و تفکر و شناخت، بسیار تواناتر از مشرکین بوده است. ثالثاً- صلح حدیبیه به منزله اعلان رسمی برتری مسلمین و اعتراف نادانسته و ناخواسته کفار به شکست و عقب نشینی و قبول موجودیت مسلمین از سوی کفار قریش است. بنابر این می توان گفت این موفقیت رسول اکرم در انعقاد صلح حدیبیه توسعه اسلام در داخل و حتی خارج از شبه جزیره را موجب شد. در این مقاله تلاش خواهد شد ان شاءالله صلح حدیبیه و اهمیت آن از ابعاد مختلف بررسی شود.

واژگان کلیدی: سال ششم هجری، صلح، حدیبیه، اسلام، رسول اکرم، قریش،

مشرکین، مسلمین

مقدمه

تاریخ صدر اسلام مملو از حوادث آموزنده و عبرت‌زاست. تقدیر الهی و مدیریت توانمند و هوشمندانه و آموزنده پیامبر(ص) نیروی محرکه این حوادث در دل تاریخ صدر اسلام است. مطالعه آنها نه تنها هر انسان صاحب خرد و آزاد اندیش غیر مسلمان را به تحیر و تحسین وامی‌دارد و او را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه این امر در مورد مسلمین می‌تواند موجب تزیاید ایمان و اعتقاد به درستی راهی که انتخاب کرده‌اند و نیز افزایش محبت و علاقه آنها نسبت به پیامبر(ص) و خاندان مطهر ایشان گردد.

صلح حدیبیه یکی از شگفتیهای تاریخ صدر اسلام است که با مطالعه عالمانه و همه جانبه آن تأثیرات و درسهای فراوانی می‌توان از آن گرفت. نکات ارزشمند فراوانی از صلح حدیبیه و حوادث پیرامون آن می‌توان درک کرد؛ موضوعاتی چون: مدیریت خردمندانه پیامبر(ص)، صبر و شکیبایی ایشان به ویژه در مقابل بعضی از یاران کم خرد یا عجول و حتی نافرمان، شناخت عمیق ایشان نسبت به افراد و جریانات و عواطف و نگرشها و کلاً اوضاع زمانه، ثبات و پایداری و اعتماد به نفس پیامبر(ص)، مدارا و بلند نظری و آینده نگری وسیع ایشان و....

این ویژگیها را در صورتی می‌توان بیشتر متوجه شد که شناخت و آگاهی بیشتری نسبت به پیامد و تبعات پیمان صلح حدیبیه پیدا کرد؛ پیامدهایی بعضاً بسیار طولانی مدت و تأثیرگذار، که آدمی را مبهوت و مسحور می‌کنند. در این مختصر تلاش شده است در حد توان و محدودیت موجود به جهاتی از اهمیت این حادثه و تبعات و پیامدهای آن پرداخته شود، بدون آنکه در توصیف مفصل تاریخچه این حادثه سعی شود؛ زیرا که تاریخچه این واقعه مفصلاً در اکثر منابع نقل شده و ما را از ذکر آنها بی‌نیاز کرده است. نگارنده امیدوار است تا حدودی انتظارات موجود را برآورده کرده باشد.

واقعه صلح حدیبیه

تا سال ششم پیامبر(ص) پیروزیهای بزرگی در مقابل دشمنان خود تحصیل کرده بود. در جبهه دشمنان پیامبر، مشرکان قریش و یهودیان مدینه تا این زمان، فردی و گروهی برای نابودی پیامبر(ص) و اسلام تلاشهای زیادی از خود نشان داده بودند، ولی تا سال ششم نه تنها کوچکترین نتیجه مثبتی تحصیل نکرده بودند، بلکه مشرکان طی سه جنگ بزرگ بخش عمده‌ای از توان جنگی و حیثیت و آبروی خود را از دست داده و یهودیان نیز طی سه جنگ دیگر، موجودیت خود را از دست داده بودند. در این سال پیامبر تصمیم می‌گیرد برای زیارت کعبه و انجام عمره به قصد مکه عزیمت نماید. اینکه چرا پیامبر به این تصمیم رسیده بود طبق گفته منابع، ظاهراً ناشی از رؤیایی بود که ایشان در یکی از شبها در خواب دیده بود. در این رؤیا پیامبر خود را به همراه مسلمین در حال زیارت کعبه می‌بیند. گفته می‌شود آیه «لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین رؤسکم و مقصّرین لا تخافون فَعَلِمَ ما لم تعلمون»^۱ ناظر به همین موضوع است.

در کنار این، بایستی بعضی نکات دیگر را نیز یادآور شد. بی تردید این نکات در عزم پیامبر(ص) برای عزیمت به سوی مکه برای زیارت کعبه مؤثر بودند.

۱- هوشیاری و ذکاوت و درایت و تدبیر بسیار بالا و شناخت عمیق و واقع بینانه ایشان از اوضاع و احوال پیرامون، عوامل مؤثر در این تصمیم بوده اند. پیامبر(ص) به دنبال پیروزی بزرگی، که در غزوه خندق و مقابل کل مشرکین و یهود به دست آورد، یقین حاصل کرد که دشمنانش توانایی تدارک جنگی بزرگ تر و کارسازتر را در آینده نخواهند داشت و سران و رهبران مشرکین نیز، این نکته را دریافته اند. در مکه برخی از دوستان رسول اکرم(ص) مترصد کسب خبری از قریش و انتقال آن به ایشان بودند. لذا رسول اکرم کاملاً از فضای ذهنی

مشرکان و سران آنها مطلع بود. بنابراین می‌دانست که جریان اوضاع و حوادث به طور طبیعی به نفع جبهه اسلام خواهد بود.

۲- پیامبر به واسطه الهامات غیبی و آگاهی نسبت به تداوم جریان سنت الهی در آیینهای الهی به منزلت و مکانت کعبه در اسلام پی برده بود، لذا پیش از وجوب زیارت کعبه به عنوان فریضه حج برای مسلمین، لازم بود با انجام عمره جریان توأم با موفقیت گسترش اسلام را در جزیره العرب سرعت بیشتری بخشد. تا آن زمان قریش پیوسته پیامبر(ص) را به عنوان فردی ناقض کلیه سنن اجدادی معرفی کرده بودند و این یکی از موانع گسترش اسلام در بین اعراب و به ویژه قریش، که سخت پایبند سنت بودند محسوب می‌شد. اعراب علی رغم بت پرستی، هنوز خاطره ای مغشوش از آیین ابراهیمی در یاد داشتند و از این رو برای کعبه احترام و قداست خاصی قایل بودند. بی تردید انجام عمره از سوی پیامبر و یاران ایشان این تبلیغات را خنثی می‌کرد و زمینه را برای گسترش اسلام به ویژه در مکه مساعد می‌نمود.

۳- پیامبر(ص)، که اضمحلال قریش و پیروزی قطعی و قریب الوقوع اسلام را دریافته بود، لازم بود این دریافت را در قالب یک اعلان رسمی به ثبت برساند. و این مهم از طریق انجام سفر زیارتی عمره ممکن می‌شد. پیامبر(ص) می‌دانست که بر اساس سنن و قوانین اجدادی، قریش حق ممانعت پیامبر(ص) و یارانش را از زیارت کعبه ندارند و لذا ناچار است تن به این زیارت بدهد. چنانچه قریش مانع مقصود پیامبر(ص) و یارانش می‌شدند، برای خود یک بدنامی ابدی می‌خریدند و چنانچه این اجازه را می‌دادند علاوه بر اینکه به ناتوانی خود اعتراف کرده بودند زمینه خوبی را نیز برای تبلیغ اسلام و پیامبر(ص) و مسلمین فراهم می‌آوردند.

۴- یقیناً این سفر می توانست به پیامبر(ص) و یارانش فرصتی دهد تا با مسلمین مکه و کسانی که در مکه مستعد پذیرش اسلام بودند ارتباط برقرار کنند و آنها را بیش از پیش با اسلام آشنا سازند.

۵- بی تردید این سفر می توانست برای مسلمین قوت قلبی باشد و آنها را به این باور، که پیروزی نهایی بسیار نزدیک است، مطمئن سازد. ممکن است این موارد به همراه نکات دیگر در تصمیم عزیمت پیامبر(ص) به سوی مکه مؤثر بوده باشد. لذا پیامبر از یارانش خواست که هر کسی به این سفر راغب است داوطلبانه پیامبر(ص) را تا رسیدن به مقصد همراهی کند. حدود هزار و چهار صد نفر در روز دوشنبه اول ماه ذیقعده سال ششم هجری به همراه پیامبر(ص) تنها با سلاح مسافر، که فقط یک شمشیر بود، با هفتاد شتر برای قربانی از مسجد ذی الحلیفه پس از اقامه نماز مُحَرَّم شدند و به طرف مکه حرکت کردند.^۱ پیامبر در ابتدای منطقه حرم، در محلی به نام حدیبیه متوقف شد، تا از عدم وجود هرگونه خطری مطمئن شود. پس از آمد و شد فراوان نمایندگان طرفین سرانجام مقرر شد پیمان نامه صلحی به امضای طرفین برسد که از آن پس، مناسبات دو طرف بر اساس آن تنظیم گردد. از این رو از طرف قریش سهیل بن عمرو به انعقاد پیمان نامه با پیامبر مأمور شد و علی(ع) نیز مأمور نگارش آن شد. رسول اکرم برای تحصیل این صلح از همان ابتدای عزیمت به سوی مکه، مدبرانه عمل کرده بود که فهرست برخی از تدابیر ایشان را ذیلاً می آوریم:

- ۱- رسول اکرم در این سفر تنها عده محدودی از یاران را به همراه خود برد؛
- ۲- ایشان و یارانش با ظاهری مُحَرَّم و نه صورتی جنگی عازم مکه شدند؛ ۳- با اینکه احتمال هر گونه خطری از سوی قریش انتظار می رفت ایشان یارانش را تنها به حمل سلاح مسافر مجاز نموده بود؛ ۴- بعد از آنکه از مکه به ایشان خبر رسید خالد بن ولید در رأس عده ای از نظامیان، مأمور منع آنها از ادامه حرکت به سوی مکه شده است، کوشید مسیر خود را تغییر دهد تا با خالد مواجه نشود؛ ۵-

رسول اکرم نهایت تلاش خود را کرد تا به نمایندگان قریش بفهماند که برای جنگ نیامده بلکه صرفاً برای زیارت کعبه آمده است؛ ۶- رسول اکرم دستور آزادی نظامیان اسیر شده قریش به دست مسلمین را داد؛ ۷- رسول اکرم اولین سفیر خود به نام خراش بن امیه کعبی را سوار بر شتر نر خود به سوی سران قریش فرستاد تا آنها را از قصد صلح آمیز ایشان مطمئن نماید؛ ۸- هنگامی که قریش شتر رسول گرامی را کشتند و حتی نزدیک بود که سفیر اعزامی ایشان را نیز بکشند، بردباری را از دست نداد و کوشید تا به طریق مسالمت آمیز تحصیل مقصود خود را تعقیب کند؛ ۹- ایشان عثمان را به نزد سران قریش فرستاد تا به آنها اطمینان دهد که قصدش فقط عمره است؛ ۱۰- اخذ بیعت رضوان از یاران، توسط رسول گرامی، به دنبال شایع شدن خبر کشته شدن عثمان توسط قریش، موجب بیم قریش از درگیری با مسلمین شد و آنها را بیشتر به صلح متمایل کرد.

مواد مورد توافق در پیمان نامه عبارت بودند از:

۱- توقف جنگ به مدت ده سال بین طرفین؛ ۲- برخورداری افراد دو طرف از امنیت کافی در تردد به قلمرو یکدیگر برای تجارت یا زیارت؛ ۳- هر کسی از قریش بدون اجازه ولی اش (از همپیمانان و خردسالان) مسلمان شود و به نزد پیامبر (ص) پناهنده شود بایستی تسلیم قریش گردد و هر کس از مسلمین به مکه پناهنده شود مجاز به اقامت در آنجا باشد؛ ۴- هر کدام از قبایل عرب نخواهد با هر یک از طرفین، پیمان ببندد آزاد باشد؛ ۵- پیامبر (ص) آن سال بایستی به مدینه بازگردد و سال آینده با یارانش به مدت سه روز برای زیارت کعبه به مکه آید.^۲

دلایل اهمیت صلح حدیبیه

۱- شاید مهم ترین دلیل برای اهمیت فراوان و کم نظیر صلح حدیبیه، نزول سوره فتح در شأن صلح حدیبیه باشد.

بسیاری از مفسران از جمله مرحوم علامه طباطبایی شأن نزول این سوره را صلح حدیبیه دانسته‌اند. ایشان می‌نویسند:

«مضامین آیات این سوره [فتح] با فصول مختلفی که دارد، انطباقش بر قصه صلح حدیبیه، که در سال ششم از هجرت اتفاق افتاد، روشن است. و همچنین با سایر وقایعی که پیرامون این قصه اتفاق افتاد، مانند: تخلف اعراب از شرکت در این جنگ و نیز جلوگیری مشرکین از ورود مسلمانان به مکه و نیز بیعتی که بعضی مسلمانان در زیر درختی انجام دادند...^۱ آیه معروف « اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا^۲ » و هفت آیه بعدی ناظر بر واقعه حدیبیه و وقایع پیرامون آن هستند.^۳ بی‌شک حوادث و چیزهایی را که آیات قرآنی در شأن آنها نازل شده، نمی‌توان کم اهمیت تلقی کرد. وقتی سوره‌ای به اهمیت سوره فتح، در مورد صلح حدیبیه نازل می‌شود، می‌توان میزان اهمیت این واقعه را تصور کرد.

۲- دلیل دیگر بر اهمیت این صلح مواد صلحنامه است، به ویژه یکی از موارد، که مسلمین را به تسلیم نمودن نو مسلمانان فراری از مکه به مشرکان مکه مکلف می‌کند. بی‌شک ظاهر این بند از پیمان نامه بر خُسران و زیان سنگین تحمیلی به مسلمین در آینده دلالت دارد. از این رو با اعلان این ماده، بعضی از یاران پیامبر(ص) شکیبایی خود را از دست دادند و به پیامبر اعتراض کردند، اما پیامبر در پاسخ، آنها را به شکیبایی دعوت کرد و مطمئن ساخت که خداوند پشتیبان او و یارانش است.^۴

هر کس که پیامبر(ص) را شناخته باشد می‌فهمد که، ترس و جبن ابداً در قاموس ایشان یافت نمی‌شد؛ شخصیتی که در مکه در خطیرترین صحنه‌ها از اسلام دفاع کرد و کوشید آن را به طور رسا به گوش مشرکین برساند، چگونه می‌توان پذیرش این مواد را از سوی او ناشی از ضعف یا ترس ایشان دانست. بنابراین هدف پیامبر(ص) را از پذیرش بعضی از این مواد ظاهراً مضر برای مسلمین، می‌توان شناخت توأم با اطمینان آن حضرت دانست که ایشان از اهمیت

منافع آتی این پیمان صلح برای مسلمین داشته است. در غیر این صورت چگونه می توان از پیامبر انتظار داشت که حاضر شود در مقابل اصرار نماینده قریش مبنی بر حذف واژه « بسم الله الرحمن الرحيم » و نیز واژه « رسول الله » از متن پیمان نامه آن را بپذیرد. به یقین پیامبر اکرم (ص) از عظمت فواید آتی این پیمان نامه برای مسلمین اطمینان داشت.

۳- یکی از دلایل اهمیت صلح حدیبیه، گسترش نهایی اسلام در سراسر شبه جزیره در کمتر از دو سال است. بنابراین واقعه صلح حدیبیه در نوع خود یک حادثه کم نظیر در تاریخ اسلام بود و می توان آن را نقطه عطفی در مسیر رسالت پیامبر (ص) دانست. پیامبر (ص) پس از گذشت نزدیک به بیست سال تبلیغ اسلام در جزیره العرب توانسته بود تنها اهالی یثرب و افراد و گروهها و طوایفی بیرون از مدینه را به اسلام در آورد، که جمع مردان جنگی همه آنها شاید به چهار هزار نفر نمی رسیدند. اما حدود دو سال پس از وقوع این صلح، پیامبر توانسته بود در جریان فتح مکه، حدود ده هزار نفر مرد جنگی مسلمان را در رکاب خود داشته باشد. بدیهی است که از این مقایسه می توان نتیجه گرفت که صلح حدیبیه حقیقتاً نقطه عطفی در تاریخ اسلام محسوب می شود.

۴- دلیل دیگر بر اهمیت این واقعه، نتایج و پیامدهای مثبت فراوان این پیمان نامه است که ذیلاً به بعضی از آنها می پردازیم:

۱- اولین نتیجه خواسته یا ناخواسته این صلح، اعتراف و اعلان رسمی قریش به پذیرش موجودیت مسلمانان است؛ چون، قریش تا این زمان به هیچ وجه به پذیرش واقعیت جامعه اسلامی و بقای آن حاضر نبودند. پیامبر پیشتر در مکه نتوانسته بود به طور منطقی و مسالمت آمیز مخالفت و دشمنی مشرکین را نسبت به خود و دعوتش فروخواباند و بعد از هجرت به یثرب نیز مشرکین چون حاضر به پذیرش موجودیت اسلام و جامعه اسلامی نبودند، جنگهای بزرگی را ترتیب دادند تا بدین وسیله اسلام و مسلمین را نابود سازند، اما نتوانستند و سرانجام به

این نتیجه رسیدند که تصور نابودی اسلام و مسلمین، تصویری باطل و غیر عملی است و برای اینکه بیش از این از جهات مالی، جانی، حیثیتی متضرر نشوند بایستی به پذیرش موجودیت اسلام و مسلمین تن دهند، لذا تن دادن به صلح به معنی تن دادن به واقعیت و پذیرش موجودیت اسلام و مسلمین بود.

۲- شاید بزرگ ترین نتیجه این صلحنامه تأمین مقصود دیرین پیامبر اکرم(ص) بود. پیامبر(ص) از همان ابتدا پیوسته به دنبال آن بود تا در یک فضای آرام و به دور از تنش فیزیکی روح والا و منطق عمیق اسلام را در معرض دید عموم قرار دهد و مدام با دیدی باز آنها، به دور از هرگونه اجبار و اجحافی آزادانه آن را اختیار کنند. از این رو پیامبر در طول نزدیک به چهارده سال تبلیغ اسلام، هیچ گاه از طرف خدا به جهاد و نبرد مسلحانه مأمور نشد و خود نیز چنین روشی را در پیش نگرفت. از سال دوم هجری نیز، که چنین تکلیفی معین شد، هدف، پیش بردن اسلام از طریق شمشیر نبود، بلکه هدف رفع موانع ایجاد شده از سوی مشرکین در پیش روی او و دعوتش بود. حال با این صلحنامه، پیامبر به مقصود دیرین خود رسیده بود و طبق این صلحنامه قریش و متحدین آن متعهد می شدند که در مسیر تبلیغ اسلام هیچ مانعی ایجاد نکنند و این برای پیامبر پیروزی بزرگی محسوب می شد؛ زیرا که، پیامبر(ص) می دانست آنچه تا کنون باعث کندی پیشرفت اسلام در جزیره العرب شده است، موانع و محدودیتهای ناشی از تدابیر و تحمیلات قریش و متحدین آن بوده است و از این پس مبلغین اسلام می توانند با آسودگی خاطر و بدون احساس هر نوع خطری تقریباً هر کجا که بخواهند برای انتشار اسلام بروند.

۳- به دنبال تحقق این صلح، برای پیامبر اسلام(ص) یقین حاصل شد که پیروزی قطعی برای اسلام در داخل جزیره العرب بسیار نزدیک است و از طرفی هم، زمینه برای پرداختن به قسمت دیگر از رسالت خود، یعنی: گسترش اسلام در خارج از شبه جزیره فراهم شده است. از این رو پیامبر برای سران و فرمانروایان

ایران، مصر، حبشه و نیز حکام کوچک تر عربی و غیر عربی در داخل شبه جزیره و پیرامون نامه‌هایی ارسال داشت که برخی منابع، تعداد حکام و فرمانروایانی را که از پیامبر دعوتنامه تشریف به اسلام دریافت داشته اند تا چهارده تن بلکه بیشتر نوشته‌اند.^۸

در این نامه‌ها پیامبر سران مزبور را به پذیرش اسلام و حقانیت آن دعوت کرد. بی‌تردید آنچه باعث شده بود که پیامبر در این زمان به دعوت فرمانروایان بزرگ و کوچک، مخصوصاً آنهایی که خارج از جزیره العرب بودند اقدام نماید عقد پیمان صلح با قریش و تحصیل آسودگی خاطر از ناحیه دشمن خانگی و داخلی بود و این خود اهمیت فراوان این صلحنامه را می‌رساند.

۴- نتیجه دیگر صلح حدیبیه فتح مکه بود. البته این نتیجه غیر مستقیم این صلح محسوب شود. طبق یکی از بندهای صلحنامه، قبایل آزاد بودند که با هر یک از طرفین این صلحنامه پیمان ببندند و تبعاً آنها نیز می‌بایست همچون طرفین مستقیم صلحنامه، به مواد آن متمهد بودند و هرگونه اقدامی خلاف آن حتی از سوی متحدین یکی از طرفین مزبور به معنای نقض معاهده صلح بود. بر این اساس وقتی که قبیله بکر، که همپیمان قریش بود، به قبیله خزاعه، که همپیمان پیامبر بود، حمله کردند این معنا حاصل شد که قریش ناقض معاهده است و لذا طرف مقابل، که پیامبر(ص) باشد، قانوناً حق داشت پاسخ این نقض عهد را هر طور که می‌خواهد بدهد. پیامبر نیز تصمیم گرفت که در رفع مانع از مسیر گسترش اسلام در شبه جزیره گام نهایی را از طریق فتح مکه بردارد و چنین کرد. به یقین چنانچه قریش ناقض معاهده نمی‌شدند هیچ‌گاه پیامبر مکه را به طور نظامی فتح نمی‌کرد؛ زیرا طی حدود دو سال حاکمیت مواد صلحنامه بر مناسبات پیامبر(ص) و قریش، پیامبر پیوسته صلحنامه را محترم داشته بود و با وجود اینکه در مواردی از سوی برخی یاران تحت فشار و اصرار برای نقض آن قرار می‌گرفت ولی هیچ‌گاه چنین نکرد.

۵- گسترش فعالیت‌های اقتصادی و رونق اقتصادی مسلمین از نتایج قهری این صلح بوده است. بدیهی است که از بدو خلقت تا کنون همیشه بین امنیت و رشد اقتصادی یک ارتباط منطقی و ایجابی وجود داشته است. هر گاه امنیت در جامعه ای ایجاد و یا افزایش می یافت به تبع آن رشد اقتصادی و رفاه حاصل از آن نیز رو به تزايد می گذاشت. بر این اساس شکی نیست که به دنبال صلح حدیبیه امنیت مسلمین در همه جا افزایش یافت. اگر پیش از این کشاورزان، چوپانان و تجار مسلمین برای خود در مسافت‌های دورتر از مدینه احساس امنیت نمی کردند، طبق این صلحنامه، این امنیت ایجاد شد و آنها توانستند با آسودگی خاطر به امور اقتصادی خود پردازند.

۶- پیمان صلح حدیبیه نه تنها برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی مسلمین ایجاد امنیت کرد بلکه برای تبلیغ و انتشار اسلام در سراسر جزیره و حتی خارج از جزیره العرب نیز امنیت لازم را فراهم آورد. پیامبر(ص) از این فرصت پیش آمده برای دعوت قبایل و طوایف عرب به اسلام نهایت استفاده را نمود و نمایندگان و مبلغان خود را جهت دعوت به اسلام به اطراف و اکناف فرستاد و این نمایندگان با خاطری آسوده از تهدیدات دشمن صحراها را در نوردیدند و مأموریت و تکلیف خود را به انجام رساندند و از این پس تا پایان حیات پیامبر اکرم(ص) تاریخ اسلام هیچ گاه شاهد حوادثی چون رجیع و بئر معونه نشد؛ زیرا که ناامنی آن زمان به امنیت این زمان تبدیل شده بود.

۷- بی تردید این صلح، آموزه‌های اخلاقی فراوانی نیز در خود دارد که می-بایستی مسلمین عصر پیامبر(ص) و پس از ایشان آنها را فرا بگیرند. آیا این صلح این تصور باطل و غلط را رد نمی کند که برخی در سر دارند و اعلام می کنند که اسلام دین شمشیر و جنگ است؟ بدون تردید اسلام دین صلح و منطقی است و ما این را در جای جای قرآن کریم می بینیم. چنان که در جایی تعبیر «... و الصلح

خسیر...^۱ و در جای دیگر آمده است: «اگر دو طایفه و گروه از مسلمین با هم در جنگ شدند، بینشان صلح و امنیت برقرار سازید.»^۱

قرآن کریم از صلح به عنوان خیر یاد می‌کند و جنگ بدون دلیل را شرّ معرفی می‌کند. رسول اکرم نیز قبل از صلح با قریش در حدیبیه بارها این سیره را از خود نشان داده بود. ایجاد پیمان اخوت بین مهاجر و انصار در سال اول هجری و نیز دوستی با یهود در مدینه و پیمان با مسیحیان در سال ششم از نمونه های تأیید این ادعا هستند. بنابراین صلح حدیبیه نیز، یکی دیگر از نمونه های صلح در تاریخ صدر اسلام است که می‌تواند الگو و سرمشق مسلمین قرار گیرد و آنها در موارد و مواقعی با خرد ورزی و بر اساس مصلحت می‌توانند از طریق انعقاد صلح با دشمنان نتایجی تحصیل کنند که هرگز از طریق جنگ نمی‌توانند به آنها نایل شوند.

۸- پیمان حدیبیه یکی از آخرین تیرهای خلاص مسلمین بر پیکر بیجان شرک و کفر بود. این چیزی نیست که فقط امروز معلوم و مورد ادعا باشد. بلکه برای انسانهای باهوش آن زمان نیز کاملاً بدیهی و روشن بود.

خالد بن ولید و عمرو بن عاص هر دو از زیرکان عصر خود در جامعه مشرک مکه بودند. آنها که پیشتر ضربات سنگینی بر جامعه نوپای اسلامی وارد آورده بودند، حال پس از انعقاد این صلح به این شناخت رسیدند که پیروزی قطعی و نهایی اسلام و جامعه اسلامی قریب الوقوع است و اینکه در پیکر بیجان شرک و بت پرستی دیگر تحمل و توانی نمانده و به زودی آخرین تیر خلاص از سوی مسلمین به سوی آن رها خواهد شد. از این رو آنها پیش از اینکه همه چیز را از دست بدهند به خدمت پیامبر رفتند و اسلام پذیرفتند. یقیناً اسلام آوردن این دو چهره آسیبی جدی به جبهه شرک و کفر وارد آورد و تزلزل آنها را در مقابل جبهه اسلام بیشتر نمود.

۹- این صلح به پیامبر و مسلمین فرصت کافی داد تا بنیه نظامی خود را بیش از پیش تقویت کنند. فتح خیبر، فدک و نواحی دیگر در داخل جزیره العرب و حتی سریره موته علاوه بر اینکه خاطر مسلمین را از ناحیه سایر دشمنان آسوده کرد، بنیه و شهرت نظامی مسلمین را نیز بالا برد.

۱۰- صلح حدیبیه باعث شد که مسلمین یک سال بعد عملاً به زیارت کعبه نایل شوند و اعمال و مناسک دینی خود را به دور از آنچه نزد اعراب مشحون به بُت پرستی و خرافات و غیره بود انجام دهند و به آنها ثابت کنند که پیامبر(ص) نیامده تا با آنها و تمام آنچه مورد قبول آنهاست دشمنی کند. بلکه پیامبر آیینی آورده در ادامه آیین ابراهیمی و به دور از شرک و بت پرستی، که بعدها گریبانگیر اعراب شد. در آنجا برای مردم ثابت شد که آنچه باعث این موفقیت عظیم پیامبر شده و او را از گمنامی به چنین شهرت و عظمتی رسانده تنها حقیقت آیین اوست نه عوامل مادی. بی تردید عمره القضا، در فتح بدون خونریزی مکه و همچنین در اسلام آوردن دست جمعی مردم مکه مؤثر بوده است.

نتیجه

صلح حدیبیه یکی از نقاط عطف در تاریخ صدر اسلام است که در جریان گسترش اسلام در جزیره العرب بسیار تأثیر گذار بود. به جرأت می توان گفت که تاریخ صدر اسلام در قبل و بعد از صلح حدیبیه، به ویژه از حیث میزان گسترش اسلام کاملاً از یکدیگر مشخص است. به همین دلیل در قرآن کریم سوره و آیاتی به مناسبت این صلح وجود دارد که خود بر اهمیت آن افزوده است. صلح حدیبیه ثمرات و پیامدهای عدیده‌ای برای دنیای اسلام داشت که شاید نتوان بر همه آنها اشراف یافت. ولی موارد بسیار بارز و آشکار آن قابل توجه و ذکر است. این موارد از جهات سیاسی، اعتقادی و تقویت ایمان و اعتقاد مسلمانان زمان پیامبر

بسیار مؤثر بوده و حتی به ویژه در گرایش دیگران به اسلام نقش کلیدی ایفا کرده است. این واقعه به رشد و پویایی اقتصادی مسلمین و نیز ارایه تصویر جهانشمول اسلام کمک بسیاری کرد. جامعه اسلامی پس از این صلح به طور مشخص تری خود را در معرض دید دیگران قرار داد و محاسن آن بیش از پیش جلوه گر شد. اعراب به دنبال این صلح، موفقیت را بر اساس عصیبت قومی بلکه بر پایه تعصب عقیدتی برای اولین بار و به طور جدی تجربه کردند؛ چیزی که پیش از آن هرگز در مخیله آنها نمی گنجید. آنها فهمیدند که بر پایه این عصیبت دینی و ایدئولوژیک، نه تنها می توان قوی ترین جامعه از جهات سیاسی، اقتصادی و نظامی را ایجاد کرد، بلکه در عین برخورداری از کمال قدرت سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و نظامی، بایستی مدارا و رأفت و صلح دوستی را به عنوان یکی از اصول و روشهای محوری در زندگی مورد توجه و عمل قرار داد. از نظر نگارنده نه تنها تاریخ به معنی اعم آن به مثابه چراغی فراروی صاحبان خرد و بینش و دانش است، بلکه تاریخ اسلام به طریق اولی می تواند چنین نقشی را برای ما مسلمین ایفا کند. صلح حدیبیه یکی از آن موارد مهم است که توجه همگان را به خود معطوف کرده که فرمانروایان و مسئولان دنیای اسلام می باید از آن و سایر وقایع و حوادث صدر اسلام الگو بگیرند و از آنها به عنوان سرمشق استفاده کنند.

پی‌نوشتها

- ۱- سورة فتح، ۲۷
- ۲- ابن هشام، السيرة النبوية، مصر، مطبعة الحلبي، ۱۳۷۵ ق، القسم الثاني، ص ۳۱۲، كليني، الروضة من الكافي، تهران، دارالكتب اسلاميه، ۱۳۶۲، ۳۲۲، ابن سعد، طبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، ج ۲، ص ۹۶
- ۳- ابن هشام، پیشین، ص ۳۱۸-۳۱۷؛ ابن سعد، ج ۲، ص ۹۷ و ۱۰۲-۱۰۱
- ۴- علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۷۸.
- ۵- سورة فتح، آیه ۱
- ۶- علامه طباطبایی در ج ۱۸ تفسیر المیزان از ص ۳۷۱ تا ص ۴۱۵ به تفسیر این آیه پرداخته است.
- ۷- واقدي، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۱، ص ۶۰۷
- ۸- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیمقوبی، بیروت، دار صادره ۱۳۷۹ هـ ج ۲، ص ۷۷
- ۹- سورة نساء، ۱۲۸.
- ۱۰- سورة حجرات، ۹

منابع و مأخذ

- ۱- ابن سعد، محمد بن سعد الزهری؛ طبقات الکبری، بیروت، دارصادر، ۱۳۷۷ق.
- ۲- ابن هشام، عبدالملک؛ السیرة النبویه، مصر، مطبعة الحلبي، ۱۳۷۵ق.
- ۳- طباطبایی، سید محمد حسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات محمدی.
- ۴- قرآن کریم.
- ۵- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب؛ الروضة من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
- ۶- واقدی، محمد بن عمر؛ مغازی، ترجمه محمود مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، ۱۳۷۹ق.